

او [امام خمینی] آمر به معروف و ناهی از منکر و مجاهد فی سبیل الله بود. (۱)

امر به معروف و نهی از منکر، یادآوری یک واجب فراموش شده:

ما باید خود را به سرچشمه‌ی اسلام برسانیم تا زندگی به تمامی، شیرین شود؛ قرآن کریم می‌فرماید: «الذین ان مکنانهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر» [۲]. من می‌خواهم این واجب فراموش شده‌ی اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و نهی از منکر، همه‌ی آحاد مردم باید وظیفه‌ی امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قایل باشند؛ این، تضمین‌کننده‌ی حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود؛ عمل کنیم تا آثارش را ببینیم؛ امر به معروف، یک مرحله‌ی گفتن و یک مرحله‌ی عمل دارد؛ مرحله‌ی عمل، یعنی اقدام با دست و با زور، این مرحله، امروز به عهده‌ی حکومت است و باید با اجازه‌ی حکومت انجام بگیرد و لاغیر. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه باید آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

روزی بود که اگر کسی، کار خلافی مرتکب می‌شد و دیگری به او اعتراض می‌کرد، نظام حاکم آن اعتراض را می‌کوبید. ما دیده بودیم که اگر گناهی انجام می‌گرفت، گناهکار تشویق می‌گردید؛ اما معترض به گناه کوبیده می‌شد! امروز، به عکس است. امروز، نه این که گناه در جامعه نیست؛ هست. زمان حکومت امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) هم در جامعه گناه بود؛ اما مهم این است که نظام و تشکیلات حاکم بر جامعه - آن کسانی که اداره و مدیریت کشور را بر عهده دارند - میل به طرف صلاح دارند و با گناه و تخلف مخالفند.

گفتن گناه به گناهکار با زبان خوش و با لحن مناسب و در جایی هم با زبان تند - در مواردی که مفسده‌ی بی‌وجود نیاید - گناه را در جامعه کم خواهد کرد و به ضعف و انزوا خواهد انداخت. چرا ما از این موضوع غافلیم؟ همه‌ی آحاد مردم، در محیط کسب و خانه و جمع دوستان و در محیط درس و دانشگاه و کلاً در هر جایی که هستند، اگر خلافی را دیدند، به خلافکار بگویند: این، از نظر اسلام خلاف است؛ چرا انجام می‌دهی؟ گفتن همین یک کلمه مؤثر است. اگر زبانهای گوناگون و نفسهای مختلف گناه را تذکر بدهند، گناهکار به طور غالب از گناه و تخلف دست خواهد کشید؛ چه این تخلف، تخلف شرعی و چه تخلف از قوانین باشد. (۳)

اعمال و گفتار تفرقه‌انگیز و دلسردکننده از هر کسی صادر شود، خیانت به امام و اسلام است. از حضرات نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، ائمه‌ی محترم جمعه، گویندگان مذهبی و رسانه‌های عمومی تقاضا می‌کنم همگان را به این وظیفه‌ی انقلابی توجه دهند؛ و البته ضمانت اصلی برای این کار، آحاد مردم حزب‌الله‌اند که با مشاهده‌ی تخلف از این وظیفه‌ی الهی، موظف به نهی از منکر و اعراض از متخلفین می‌باشند. (۴)

همه‌ی مسؤولین و دست‌اندرکاران و مردم، موظف به رعایت حریم مقررات اسلامی می‌باشند. مردم مسلمان و متشرع، تاکنون نیز در همه جا به همین نحو عمل کرده و پاس‌وقف را داشته‌اند و اگر کسی یا کسانی تخطی نمایند، باید نهی از منکر و ردع از خلاف شوند. (۵)

امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسؤول احساس کند.

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با

همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاههای معنویت و تزکیه و هدایت، روزه‌روز گرمتر و پررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبیر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسؤولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است. (۶)

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیکبختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کجروی و ظلم و انحطاط را ریشه کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاههای معنویت و تزکیه و هدایت، روزه‌روز گرمتر و پررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبیر و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسؤولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است. (۷)

مبارزه‌ی با منکرات، حساس است. (۸)

امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید:

جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند. چرا این واجب - امر به معروف، امر به کارهای خوب - در جامعه‌ی اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگویید به من چه؛ او هم نمی‌تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید. بعضی خیال می‌کنند تا منکری دیده شد، باید با مشت به سراغش بروند! نه، ما سلاحی داریم که از مشت کارگرتراست. آن چیست؟ سلاح زبان. زبان از مشت خیلی کارگرتراست و نافذتر و مؤثرتر است؛ مشت کاری نمی‌کند.

بعضی جوانان به ما نامه می‌نویسند که اجازه بدهید ما با این تظاهرات منکراتی، مقابله و مبارزه کنیم. خیلی خوب، مقابله بکنید؛ اما چه‌طور؟ بریزید، طرف مقابل را تکه پاره کنید؟! نه، این نیست. حرف بزنید، بگویید؛ یک کلمه بیشتر هم نمی‌خواهد؛ لازم نیست یک سخنرانی بکنید. کسی که می‌بینید خلافی را مرتکب می‌شود - دروغ، غیبت، تهمت، کین‌ورزی نسبت به برادر مؤمن، بی‌اعتنایی به محرمات دین، بی‌اعتنایی به مقدسات، اهانت به پذیرفته‌های ایمانی مردم، پوشش نامناسب، حرکت زشت - یک کلمه‌ی آسان بیشتر نمی‌خواهد؛ بگویید این کار شما خلاف است، نکنید؛ لازم هم نیست که با خشم همراه باشد. شما بگویید، دیگران هم بگویند، گناه در جامعه خواهد خشکید.

چرا کسانی از گفتن ابا می‌کنند؟ یک عده بر اثر ضعف نفس از گفتن ابا می‌کنند، یک عده هم خیال می‌کنند که گفتن فایده‌ی ندارد؛ باید با دست جلو بروند! نه، زبان از دست خیلی مهمتر است. امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید؛ نگذارید در جوامع جوان - چه در مدرسه‌ها، و چه در دانشگاهها - کار به فساد بکشد. این مراکز برای دشمن هدف است. بدانید که نسل جوان این جامعه و این ایران اسلامی زنده است؛ دشمن هم این را بداند. با بودن شما جوانان مؤمن، حجت بر ما تمام است. با همگانی شدن، امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاه‌های معنویت و تزکیه و هدایت، روزه‌روز گرمتر و پررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاهها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبیر

و تعمق در آن، برای همه بخصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسؤولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است. (۹)

امر به معروف و نهی از منکر یک واجب اسلامی است و باید در میان مردم رایج بشود. (۱۰)

«امر به معروف و نهی از منکر» - یعنی سوق دادن به نیکیها و باز داشتن از بدیها- (۱۱)

چندی پیش گفتم: «همه، امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسؤولیت شرعی شماست. امروز مسؤولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

به من نامه می‌نویسند؛ بعضی هم تلفن می‌کنند و می‌گویند: «مانهی از منکر می‌کنیم. اما مأمورین رسمی، طرف ما را نمی‌گیرند. طرف مقابل را می‌گیرند!» من عرض می‌کنم که مأمورین رسمی - چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضایی - حق ندارند از مجرم دفاع کنند. باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند. همه دستگاه حکومت ماباید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع کند. این، وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کس دیگری به نمازگزار حمله کند، دستگاههای ما از کدامیک باید دفاع کنند؟ از نمازگزار یا از آن کسی که سجاده را از زیر پای نمازگزار می‌کشد؟ امر به معروف و نهی از منکر نیز همین طور است.

امر به معروف هم مثل نماز، واجب است. در نهج البلاغه می‌فرماید: «و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفته فی بحر لجبی.» [۱۲] یعنی امر به معروف و نهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتر است؛ چون پایه دین را محکم می‌کند. اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌کند. مگر مأمورین و مسؤولین ما می‌توانند امر به معروف و ناهی از منکر را بادیگران مساوی قرار دهند؛ چه رسد به این که نقطه مقابل او را تأیید کنند؟! البته جوان حزب اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشمهایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی از منکر، فساد ایجاد نماید که چهره حزب الله را خراب کند. باید مواظب باشید. این، به عهده خودتان است. من یقین دارم - و تجربه‌های این چندسال هم نشان داده - تانیروهای مؤمن و حزب اللهی برای انجام کاری به میدان می‌آیند، یک عده عناصر بدلی و دروغین، با نام اینها در گوشه‌ای فساد ایجاد می‌کنند تا ذهن مسؤولین را نسبت به نیروهای مؤمن و حزب اللهی و مردمی چرکین کنند. مواظب باشید. مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله نماز است. یاد گرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسأله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ البته من عرض می‌کنم - قبلاً هم گفته‌ام - در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسؤولین است. آنها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهمتر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلافکار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست. همین نیروهای مؤمن و بسیجی و حزب اللهی؛ یعنی همین عامه مردم مؤمن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ همینهایی که جنگ را اداره کردند؛ همینهایی که از اول انقلاب تا به حال با همه حوادث مقابله کردند، در این مورد مهمترین نقش را می‌توانند داشته باشند. همین نیروهای مردمی، که اگر نبودند - این بسیج اگر نبود، این نیروی عظیم حزب الله اگر نبود - در جنگ هم شکست می‌خوردیم؛ در مقابل دشمنان گوناگون هم در این چندسال شکست می‌خوریم و آسیب‌پذیر بودیم. کارخانه ما را می‌خواستند به تعطیلی بکشاند؛ نیروی حزب اللهی از داخل کارخانه می‌زد به سینه شان. مزرعه ما را در اوایل انقلاب می‌خواستند آتش بزنند؛ نیروی حزب اللهی از همان وسط بیابان‌ها و روستاها و مزارع، می‌زد توی دهانشان. خیابانها را؛ می‌خواستند به اغتشاش بکشند؛ نیروی حزب اللهی می‌آمد سینه

سپرمی کرد و در مقابلشان می ایستاد. جنگ هم که معلوم است! این، آن نیروی اصلی کشور است. نظام اسلامی متکی به این نیروست. اگر مردم؛ یعنی همین نیروهای مؤمن و حزب اللّهی، با نظام باشند، با دولت باشند - که هستند بحمد اللّٰه - اگر این نیروی عظیم و این نیروی بزرگ شکست ناپذیر مردمی در کنار مسؤولین و پشت سر مسؤولین باشد - که بحمد اللّٰه هست هیچ قدرتی نمی تواند با جمهوری اسلامی مقابله کند. (۱۳)

این جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است، که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لیسلطن اللّٰه علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یتجاب لهم». (۱۴)

قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم. آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهمترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف شناس و منکر شناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است.

امر به معروف، اینهاست. و الا اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم به وسیله افراد معلومی، زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش بنا می کند سمپاشی کردن؛ که در ایران بناست از این به بعد، نسبت به زنها بدحجاب، این طور عمل شود! این واجب به این عظمت را، که قوام همه چیز به آن است، بیاورند در دایره ای محدود، در خیابانهای تهران؛ آن هم نسبت به چند نفر زنی که وضع حجابشان مثلاً درست نیست. این است معنای امر به معروف؟! این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه؟! قضیه، بالاتر از این حرفهاست. تخلفها یک اندازه و یک نوع نیست. تخلفها، تخلفهای فردی نیست. بالاترین تخلفها، آن تخلفها و جرایمی است که پایه های نظام را سست می کند. نومید کردن مردم، نومید کردن دلهای امیدوار، کج نشان دادن راه راست، گمراه کردن انسانهای مؤمن و با اخلاص، سوء استفاده کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی، کمک کردن به دشمن، مخالفت کردن با احکام اسلامی و تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن. امروز دستهایی تلاش می کنند تا فساد را به صورت نامحسوس - نه آن طوری که شما در خیابان آن را ببینید و بفهمید و مشاهده کنید - به شکل های گروهکی، ترویج کنند و جوانان را به فساد بکشاند؛ پسرها را به فساد بکشاند؛ مردم را به بی اعتنایی بکشاند. منکرات اینهاست؛ منکرات اخلاقی، منکرات سیاسی، منکرات اقتصادی. همه جا، جای نهی از منکر است. یک دانشجو هم، در محیط درس می تواند نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم، در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک کاسب مؤمن هم، در محیط کار خود می تواند نهی از منکر کند. یک هنرمند هم، با وسایل هنری خود، می تواند نهی از منکر کند. روحانیون در محیطهای مختلف، یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند. نمی شود این واجب بزرگ الهی را در دایره های کوچک، محدود کرد. کار هم کار همه است. این طور نیست که مخصوص عدّه خاصی باشد. البته هر کس وظیفه ای دارد. من در پیام تشگرتی که منتشر شد، عرض کردم: قشرهای مختلف، باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر،

پیدا کنند. هر کس جایگاهی دارد. کجا باید نهی از منکر کنید؟ شما در مقابل کدام منکر می‌توانید مقاومت کنید و بایستید؟ کدام را می‌شناسید؟ کار، کار مردمی است. البته، علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند؛ کیفیت نهی از منکر را بیان کنند و منکر را برای آنها شرح دهند.

باید خطر را بشناسیم. باید نقاطی را که خطر، از آن نقاط جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، درست بشناسیم. آن عبرتهای قضایای صدر اسلام را برای مردم و برای خودمان، باز کنیم. مهمترین وظیفه‌ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، این است که نیروهای مؤمن و امر به معروف و ناهی از منکر و آنهایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند، باید در صحنه باشند. همه جا باید حضور داشته باشند. حزب الهی بودن، یعنی آماده کار بودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است. در نظام اسلامی، همه جا، کسی که دارای روحیه حزب الهی است بر کسی که دارای روحیه حزب الهی نیست، ترجیح دارد. (۱۵)

با امر به معروف و نهی از منکر؛ که وظیفه شما در داخل محیط کارهایتان و در همه جاهاست. با این روشها، کاری کنید که فضا، فضای اسلامی شود (۱۶)

ما به آحاد ملت عزیز عرض کردیم؛ و گفتیم امر به معروف و نهی از منکر، این واجب الهی را برپا بدارید. درین جوانان در سرتاسر کشور، شور و غوغایی به وجود آمد. پس، پیداست که این جوانان متمایل به امر به معروف و نهی از منکرند. بنابراین، وظیفه ما، مسئولین، قانونگذاران و مجریان است که راه و

زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم. امروز بحمد الله مجلس شورای اسلامی، مجریان، مسئولین کشور و دستگاه قضایی، همه از خود این ملتند. مبادا در گوشه و کنار، یا در دستگاه انتظامی یا قضایی، کسانی باشند که راه را جلو امر به معروف و ناهی از منکر سد کنند! مبادا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد، از او حمایت نکنند، بلکه از مجرم حمایت کنند! البته خبرهایی از گوشه و کنار کشور، در بعضی از موارد به گوش من می‌رسد. هر جا که بدانم و احساس کنم و خبر اطمینان بخشی پیدا کنم که امر به معروف و ناهی از منکر، خدای نکرده مورد جفای مأمور و مسؤولی قرار گرفته، خودم وارد قضیه خواهم شد. این، آن چیزی است که قوام کشور و استقلال کشور را حفظ خواهد کرد. و الا ما دشمن زیاد داریم.

چرا دشمن تا امروز نتوانسته است مویی از سر این ملت کم کند و به این کشور ضربه بزند؟ بحمد الله ایران اسلامی، با قدرت و صلابت کامل، در مقابل همه شان ایستاد و ایستاده است. چرا؟ ایران که همان ایران صد و پنجاه سال قبل است! این، به خاطر احساس وظیفه شما، به خاطر همین حضور شما، به خاطر همین روحیه حزب الهی شما و به خاطر این است که زن و مرد مسلمان، تاهمه جا حاضرند از ایمان و اسلام و انقلابشان دفاع کنند. اینهاست که این کشور را حفظ کرده است. مگر طور دیگری می‌شود این کشور را، با این همه دشمن و بدخواه که چشم طمع به منابع زیرزمینی و بازارهای آن دوخته‌اند، حفظ کرد؟! مگر می‌شود در

مقابل آنها، بدون این روحیه مقاومت کرد؟! این گونه است که کشور حفظ می‌شود؛ با امر به معروف و نهی از منکر. منتها من دو تذکر به شما جوانان عزیز - در هر جای کشور که هستید - می‌دهم. اولاً امر به معروف و نهی از منکر یک واجب است که رودر بایستی و خجالت بر نمی‌دارد. ما گفتیم: اگر دیدید کسی مرتکب خلافی می‌شود، امر کنید به معروف و نهی کنید از منکر.

یعنی به زبان بگویید. نگفتیم مشت و سلاح و قوت به کار ببرید. اینها لازم نیست. خدای متعال که این واجب را بر ما مسلمانان نازل فرموده است، خودش می‌داند مصلحت چگونه است. ما هم تاحدودی حکم و مصالح الهی را درک می‌کنیم. بزرگترین حربه در مقابل گناهکار، گفتن و تکرار کردن است. این که یک نفر بگوید اما ده نفر ساکت بنشینند و تماشا کنند، نمی‌شود. اگر یکی دچار ضعف نفس بشود، یکی خجالت بکشد و یکی بترسد، این که نهی از منکر نخواهد شد. گناهکار هم فقط بدحجاب نیست

که بعضی فقط به مسأله بدحجابی چسبیده‌اند. این، یکی از گناهان است و از خیلی از گناهان کوچکتر است. خلافهای فراوانی از طرف آدمهای لایبالی در جامعه وجود دارد: خلافهای سیاسی، خلافهای اقتصادی، خلاف در کسب و کار، خلاف در کاراداری، خلافهای فرهنگی. اینها همه خلاف است. کسی غیبت می‌کند، کسی دروغ می‌گوید، کسی توطئه می‌کند، کسی مسخره می‌کند، کسی کم کاری می‌کند، کسی ناراضی تراشی می‌کند، کسی مال مردم را می‌دزدد، کسی آبروی مردم را بر باد می‌دهد. اینها همه منکر است. در مقابل این منکرات، عامل بازدارنده، نهی است؛ نهی از منکر. بگویند: «آقا، نکن.» این تکرار «نکن»، برای طرف مقابل، شکننده است. این نکته اول؛ که نهی از منکر، اراده و تصمیم و قدرت و شجاعت لازم دارد، که بحمد الله، در قشرهای مردم ما و در زن و مرد ما وجود دارد. باید آن را به کار بگیرید. منتظر نباشید که دستگاه‌های بیاند و کاری نکنند.

بعضی از مردم به این جا تلفن زدند، نامه نوشتند و سفارش کردند که «آقا! شما گفتید نهی از منکر. سیل پشتیبانها هم انجام گرفت. اما عملاً کاری نشد!» عملاً چه کار می‌خواستید بشود؟ مگر لازم است که این جاهم دولت وارد شود یا دستگاه قضایی مستقیماً وارد شود؟ خود مردم باید وارد شوند. خود مردم باید نهی کنند. البته دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضایی و نیروی انتظامی، موظفند که ناهی از منکر را پشتیبانی کنند. این، وظیفه آنهاست. مباشر کار، خود مردم می‌توانند باشند و باید باشند. بخش عمده قضیه، این جاست. جوان رزمنده، خانواده شهید داده، خانواده ایثارگر، خانواده اهل انفاق، مؤمنین نماز خوان و روزه بگیر و مسجد برو، دلسوزان انقلاب، روشنفکران علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی و انقلابی؛ همه اینها باید در صحنه باشند.

تذکر دوم این است که مواظب باشید کسانی از این واجب الهی، سوء استفاده نکنند. حساب صاف کردنها، به خرده حسابهای گذشته رسیدن، پرده‌داری، آبروریزی، تعرض به نوامیس و عرض و مال این و آن به بهانه این واجب الهی، اینها نباید باشد. مردم باید هوشیار باشند. مردم همواره و در همه قضایا تیزهوشند. تیزهوشی مردم است که خیلی از اوقات دستگاهها را متوجه قضایای گوناگون می‌کند. در همین قضایای رذالتها و مودی‌گریهای ضد انقلاب و گروهکها از روز اول تا امروز، غالباً مردم بودند که کمک کردند، مباشرت کردند، تیزیابی کردند، دقت به خرج دادند، چیزی را دیدند و اقدامی را انجام دادند و مسئولین راهم هدایت کردند. این جا نیز همان طور است. خود مردم، با تیزهوشی نباید بگذارند این واجب الهی و این فریضه بزرگ زمین بماند، یا خدای ناکرده مورد سوء استفاده قرار گیرد. (۱۷)

با هر چه که این نظام را سرپا نگه می‌دارد، دشمنند. حتی با شعارهای شما هم دشمنند. آنها شعار امر به معروف و نهی از منکر را تمسخر می‌کنند؛ شعار حزب اللهی‌گری را تمسخر می‌کنند و شما را متهم می‌نمایند. اما حقیقت این است که همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب اللهی و همان پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحرافها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد. هیچ چیز دیگر نمی‌تواند. ملتها هم این را می‌خواهند. (۱۸)

بر همین اساس، من تأکید می‌کنم که جوانان عزیز و مؤمن، آحاد مردم - زن و مرد مسلمان - امر به معروف و نهی از منکر را که دو فریضه الهی و جزو ارزشهایی است که می‌تواند در این جهت، برای ملت ما وسیله بسیار مفید و مؤثر و پیش‌برنده‌ای باشد، فراموش نکنند و دستگاههای مختلف کشور - دستگاههای دولتی و انقلابی - هم سعی کنند که خودشان را هر چه بیشتر، به موازین و اصول انقلابی، اسلامی نزدیک کنند. (۱۹)

این بانوان مسلمانی که در اداراتند، باید رفتارشان، لباسشان، زی‌شان و منششان مسلمانی باشد؛ و شما در این زمینه تکلیف و مسؤولیت دارید. البته با روش اسلامی؛ با همان شیوه‌ای که نهی از منکر اسلامی دارد و نه با روشهای غیر اسلامی و خشونت‌های نادرست.

به خدای متعال توکل کنید و از او کمک بخواهید. (۲۰)

کار دنیا به جایی رسیده است که قدرتهای زورگوی عالم، جلو چشم مردم دنیا، معروف را منکر و منکر را معروف می‌کنند! (۲۱)

جهاد با همان شکل اسلامی‌اش - که البته حدودی دارد - ظلم نیست. در جهاد، تعدی و تجاوز به حقوق انسانها نیست. در جهاد، بهانه‌گیری و کشتن این و آن نیست. در جهاد، از بین بردن هر کسی که مسلمان نیست دیده نمی‌شود. جهاد، یک حکم الهی است که بسیار هم با عظمت است. اگر جهاد باشد، ملتها سربلند خواهند شد. بعد می‌فرماید: «وعلیکم بالتواصل و التبادل.» با هم ارتباط داشته باشید. به هم کمک کنید. بذل کنید. «وایاکم والتدابیر والتقاطع.» به هم پشت نکنید. پیوندها را قطع نکنید. «لاتترکوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.» امر بمعروف و نهی از منکر را، هرگز ترک نکنید که اگر ترک کردید «فیوکی علیکم شرارکم.» آن‌جا که نیکی، دعوت‌کننده و بدی، نهی‌کننده نداشته باشد، اشرار بر سرکار می‌آیند و زمام حکومت را در دست می‌گیرند. اگر مردم به مذموم شمردن بدها و بدیها عادت نکنند، بدها بر سرکار می‌آیند و زمام امور را در دست می‌گیرند. «ثم تدعون.» بعد شما خوبها دعا می‌کنید که «خدایا، ما را از شر این بدها نجات بده!» «فلا یتجاب لکم.» خدا دعای شما را مستجاب نمی‌کند.

این، وصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که از اول تا آخر، حدود بیست موضوع از مهمترینها را دستچین و بیان فرموده است. (۲۲)

امام حسین قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی است، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است؛ بلکه خودش یک مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. البته این کار، گاهی به نتیجه حکومت می‌رسد؛ امام حسین برای این آماده بود. گاهی هم به نتیجه شهادت می‌رسد؛ برای این هم آماده بود. (۲۳)

کارهای خیر مثل اسمش است و از هر چیز دیگر بهتر است. کارهای نیکی که انسان انجام می‌دهد، از هر آنچه که به ذهن بگذرد، بهتر است. اگر به عیادت مریض می‌روید، اگر به مؤمن احسان می‌کنید، اگر در کارها تعاون می‌کنید، اگر علم می‌آموزید، اگر به دنیا بی‌اعتنایی، اگر جهاد فی سبیل الله و یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و اگر عبادت خدا را انجام می‌دهید؛ همه اینها کارهای خیر است. این کارها از همه اموری که به ذهن انسان بگذرد، مثل مال و فرزند و جاه و مقام و دیگر ارزشهای گوناگون بهتر است. هم مرحوم مجلسی و هم صاحب تحف العقول چند احتمال می‌دهند که یکی از آنها همین احتمال است. احتمالات دیگر هم می‌دهند که ظاهراً همین احتمال متیقن است. (۲۴)

بعضی از این برنامه‌ها، فضای زندگی را قابل زیست می‌سازد؛ مثل برنامه حکومت، تشکیل دولت، امر به معروف و نهی از منکر، دشمنی با ستمگران، خوبی و نیکی با مردمان صالح و مؤمن، کمک به اصلاح امور عمومی جهان و جامعه، کمک به از بین بردن فقر و دیگر برنامه‌هایی که مربوط به سطح جهان و محیط زندگی و جوامع است. مجموع این برنامه‌ها، در این اردوگاه بزرگ و در این دوران زندگی، برای من و شما گذاشته شده است. (۲۵)

هر کس باید واعظ خود باشد، خود را مراقبت کند، از تخطی خود مانع شود، امر به معروف و نهی از منکر هم بکند که آن امر خود به معروف و نهی خود از منکر و موعظه کردن خود، بر امر و نهی و موعظه دیگران مقدم است. (۲۶)

نظام اسلامی باید تضمین کند که ارزشهای الهی حاکم باشد. آیه مبارکه «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر» (۲۷)، ناظر به همین معناست؛ چون اگر در محیطی حکام، فرمانروایان و زمامداران، مردم را به نیکی امر کردند و از بدی باز داشتند و نماز را اقامه کردند، در آن محیط ارزشها رشد می‌کند. (۲۸)

این که ما روی مسأله فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می‌کنیم، یک علت عمده‌اش این است که جامعه را تخدیر می‌کند. (۲۹)

عوامل بقا را در اسلام مشاهده کنید! یکی از عوامل بقا، همین عاشوراست. یکی از عوامل بقا، امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است که در جامعه، فساد به وجود می‌آید. هیچ اجتماع بشری نیست که در آن، فساد به وجود نیاید. این فساد، چگونه باید برطرف شود؟ بعضی کسان تا چشمشان به مظاهر فساد می‌افتد، می‌گویند «پس مسئولین کجایند که بیایند فساد را از بین ببرند؟!». غالباً فساد را که به چشم می‌بینند فریاد بر می‌آورند و سراغ از مسئولین می‌گیرند. اما آن فساد را که به چشم دیده می‌شود، خیلی کوچکتر از فسادهایی است که با چشم ظاهری در کوچه و بازار و خیابان نمی‌شود دید. کسانی که واردند، می‌دانند و می‌فهمند که فسادهای کلان، اغلب از دیده‌ها پنهان است. لذا محیط جامعه باید به گونه‌ای باشد که اگر در آن فساد پدیدار شد، فرصت رشد پیدا نکند و زود از بین برود. مثل جریانهای عظیم آب.

رودخانه‌های عظیم دنیا را مشاهده می‌کنید؟ هر چه در این رودخانه‌ها آلودگی و کثافت بریزند، کمی آن طرفتر، تلاطم آب، سر به سنگ کوبیدن آب و حرکت آب، مواد مضر را از بین می‌برد و در عوض، مواد حیاتی تولید می‌کند. محیط جامعه، باید این گونه باشد. باید چنان زلال باشد که اگر کسی قطره فساد هم در آن چکاند، خود جامعه، آن را هضم کند و از بین ببرد. چگونه امکان‌پذیر است؟ با امر به معروف، با نهی از منکر و با دعوت به خیر. قرآن می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربّک بالحکمه. [۳۰]» حکمت، حکمت، حکمت. اندیشه مستحکم را تعبیر به حکمت می‌کنند. حکمت، که انبیا به آن ممتازند و از آن بندگان برگزیده و صالح است، همان فکر مستحکم است که هیچ ابزار عقلانی نمی‌تواند آن را نفی کند و از بین ببرد. هیچ استدلال و تجربه‌ای هم نمی‌تواند آن را خنثی کند. شما در قرآن به آیاتی که حکمت را معین می‌کند، بنگرید، و ببینید چه چیزهایی است: «ذلک ممّا اوحی الیک ربّک من الحکمه. [۳۱]» چیزهایی است که اگر بشریت تا ابد هم تلاش کند، نمی‌تواند آنها را رد کند. هیچ منکری، هیچ مغرضی، هیچ معاندی نمی‌تواند در رد آنها بکوشد. حکمت یعنی مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها. این که حکما، حکمت را «صیوره الانسان عالما مضاهیا للعالم الحسی [۳۲]» می‌گویند، همان است. یعنی چنان افکار برجسته و مستحکم و غیر قابل خدشه‌ای در روح او - بنده برگزیده و صالح - گسترش پیدا کرده است، که خود تبدیل به یک عالم شده است و شما می‌توانید کون را وجود را، و همه گیتی را در سخن او، در اشاره او و در اقدام او مشاهده کنید.

این، حکمت است. آن وقت «ادع الی سبیل ربّک بالحکمه». این گونه مردم را به سوی خدا دعوت کنید. «والموعظه الحسنه. [۳۳]» «و جادلهم بالتی هی احسن. [۳۴]» این هم هست. یعنی اینها عوامل بقاست. اینها هست که تفکر اسلامی تا امروز توانست بماند.

عزیزان من! روحانیت باید بداند که نظام و جامعه اسلامی، اگر خود را به گونه‌ای که اسلام فرموده است شکل دهد، و عوامل بقا را در خود فراهم کند، هیچ نیرویی در دنیا قادر به مقابله با آن نخواهد بود؛ نه نیروی مادی و نه نیروی نظامی، که پیوسته تهدید می‌کنند هواپیما می‌آید؛ موشک می‌آید، چه می‌آید، چه می‌آید. مگر می‌توانند؟! ایادی استکبار به مدت هشت سال کشور ما را تهدید کردند و به تهدیدهای خود، جامه عمل هم پوشاندند. در طی این مدت چه غلطی کردند که بعد از این بتوانند بکنند؟! امروز استکبار جهانی، نیروی علمی و خیل رجل خود را بسیج کرده تا بلکه بتواند با تفکر و فرهنگ و ابزار دانش، تفکر اسلامی را متزلزل کند. اما با این ترفند هم، نخواهد توانست کاری از پیش ببرد. البته، شرط ناکامی و ناتوانی استکبار این است که در این جا، همان گونه که اسلام فرموده است، عمل شود. یعنی: «ادع الی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه.» در این صورت، حتی با ابزارهای فساد هم نخواهد توانست کاری کند.

عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می کنند، نوار بد درست می کنند، حرفهای بد درست می کنند، شعر بد می گویند، داستان بد می نویسند و این همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادی پخش و منتشر می کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می دهند. این مورد اخیر - ماهواره - واقعاً گنداب فساد است که تیرهای زهر آگین خود را به سمت ملتها و کشورها هدفگیری می کند. بحمدالله سال گذشته، مجلس شورای اسلامی، با حسن فهم قضیه، ماهواره را ممنوع کرد. با این همه، اگر در جامعه، به دستور اسلام و فرموده قرآن عمل شود، هیچ کدام از ابزار و عوامل فساد، نمی تواند کمترین اثری بکند. به معنای دقیقتر، توجه از جوانب مختلف و امر به معروف و نهی از منکر، نمی گذارد دشمن پیروز شود. این است که جامعه اسلامی، یک جامعه ماندگار است. این است که «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون». [۳۵] این است که «ولینصرن الله من ینصره». (۳۶) این است که «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا». [۳۷] اینها تعارف نیست که خدا با ما کرده است. حال، قدرتمندان دنیا عربده بکشند و علیه نظام جمهوری اسلامی تهمت بزنند. بحمدالله این جا بنای مستحکمی است. بنایی است که هر کس با آن زور آزمایی کند، دست و پنجه خودش را زخمی و مجروح خواهد کرد. امروز همه عوامل بقا و حیات، در نظام اسلامی هست. کسانی هم که گاهی اوقات نسبت به بعضی از کارهای دینی و شعارهای اسلامی، اعتراض دارند و نق می زنند که «آقا؛ شما هم دیگر شورش را در آورید! دائم راجع به ارزشهای اسلامی می گوید! فلان شعار دیگر چیست و فلان کار دیگر کدام است؟!» در واقع حرف دشمن را تکرار می کنند. دشمن مایل نیست که اسلام به طور کامل پیاده شود؛ چون اگر اسلام به طور کامل پیاده شد، آسیب ناپذیر می گردد. حال، برای این که آسیب پذیر شود، باید چه کار کنند؟ باید ناقصش کنند. باید یک گوشه اش را نگذارند عمل شود. مثلاً نسبت به «لایحه قصاص» و «قانون مجازات»، جنجال آفرینی کنند.

وظیفه علما و مبلغین و روحانیون و معتمنین، این جا روشن می شود. البته روشن است و بحمدالله، آقایان وظایفشان را خیلی خوب می دانند. ما هم نمی خواهیم وظیفه علما را به آنان یاد آور شویم. چون اهل علمند، و خودشان می دانند. این که می گویم، برای «تذکر» است. برای دانستن جوانان و تازه رسیدگان به این راه است که بدانند این راه، راه مبارکی است. این راه، راه شکست ناپذیری است. این راه، راهی است که در آن، همه امکانات برای بقا، به وسیله حکمت پروردگار عالم، فراهم شده است. این راه، هم جهاد دارد، برای دفع دشمن؛ هم «رحماء بینهم» دارد، برای محیط قابل زیست در داخل کشور؛ هم «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم» تا «ان تبروهم و تقسطوا الیهم» [۳۸] دارد، برای ارتباطات حسنه با کشورهای و ملتهای دنیا و هم «انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین» [۳۹] دارد، برای مبارزه با اسرائیل و امریکا. یعنی همه چیز دارد. هم دنیا دارد، هم آخرت، هم حفظ ارزشها با دقت و وسواس و هم رفتن به دنبال سازندگی و ایجاد دنیای خوب و استقرار و کشف بواطن طبیعت، به وسیله دستهای توانا. همه چیز هست. هم عواطف و احساسات مردم را دارد، هم کمک الهی را دارد، هم کار در آن هست و هم توکل. لذاست که آن وقت این آیه معنا پیدا می کند: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً. و یرزقه من حیث لا یحتسب». [۴۰] اگر تقوا باشد - یعنی، این مجموعه با هم باشد - آن وقت دیگر هیچ کس نمی تواند آسیب برساند. [۴۱]

مسلمانان خصوصیتی دارند که می توانند اراده خود را در حرکت عالم مؤثر کنند. به خاطر چه؟ به خاطر احکام نورانی اسلام؛ بلکه به خاطر روحيات و خلقیاتی که اسلام به مسلمانان می دهد؛ مثل ظلم ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد، مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل الله، که جهاد فی سبیل الله میدان گسترده و عرض عریضی دارد و مخصوص صحنه نبرد رویاروی جسمانی نیست، بلکه جهاد داخل خانه ها هم ممکن است و همه جا انسان می تواند با دشمن خدا جهاد کند؛ اگر اراده داشته باشد و اگر بداند باید چه کار کند.

این، مجموعه احکام اسلامی است. این، جهاد و امر به معروف و عدم کنار آمدن بابدی و فساد و تحمل نکردن ظلم است: «لا تظلمون و لا تظلمون» [۴۲]. مجموع این احکام و معارف موجب شده است مسلمان به طور طبیعی در هر جای دنیا که هست - چه به صورت یک ملت و چه از یک ملت کوچکتر، تا یک فرد - به برکت این احکام قادر باشد اراده خود را در اداره جهان و محیط خودش مؤثر سازد. این، خصوصیت مسلمان است. استعمارگران از چنین خصوصیتی ناراحتند. ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند. [۴۳]

استکبار می خواهد در این کشور و در میان این ملت، ایمان عمیق نباشد، سرگرمی به شهوات باشد، «معروف» اسلامی نباشد و آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد. [۴۴]

رشته بعدی هم رشته نهی از منکر و امر به معروف، در بالاترین شکل آن است که در نامه به معاویه در کتابهای تاریخ نقل شده است - نقل شیعه هم نیست - اتفاقاً این نامه را - تا آن جا که در ذهنم هست - مورخین سنی نقل کرده اند؛ به گمانم شیعه نقل نکرده است؛ یعنی من برخورد نکرده ام؛ یا اگر هم نقل کرده اند، از آنها نقل کرده اند. آن نامه کذایی و نهی از منکر و امر به معروف، تا هنگام حرکت از مدینه است که بعد از به سلطنت رسیدن یزید است که این هم امر به معروف و نهی از منکر است. «ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر». [۴۵] و [۴۶]

ببینید؛ یک انسان، هم در تلاش نفسانی و شخصی - تهذیب نفس - آن حرکت عظیم را می کند؛ هم در صحنه و عرصه ی فرهنگی، که مبارزه با تحریف، اشاعه احکام الهی و تربیت شاگرد و انسانهای بزرگ است و هم در عرصه سیاسی که امر به معروف و نهی از منکر است. بعد هم مجاهدت عظیم ایشان، که مربوط به عرصه سیاسی است. این انسان، در سه عرصه مشغول خود سازی و پیشرفت است. [۴۷]

حرکت و تلاش لازم است؛ هم در جبهه خودسازی - این مقدم بر همه است؛ مثل امام حسین علیه السلام که آقا و مولای شماست - هم در جبهه سیاسی - که آن امر به معروف و حرکت و حضور سیاسی است و در جایی که لازم است، بیان مواضع و تبیین سیاسی در مقابل دنیای استکبار - هم در جبهه فرهنگی - یعنی آدم سازی، خود سازی، خودسازی فکری و اشاعه فکر و فرهنگ - اینها وظیفه همه کسانی است که امام حسین علیه السلام را الگو می دانند. خوشبختانه ملت ما همه نسبت به حسین بن علی علیه السلام خاضعند و آن بزرگوار را بزرگ می شمارند. حتی خیلی از غیر مسلمانها این گونه اند. [۴۸]

هنگامی که به خاطر هجوم دشمن، فریضه ی جهاد اهمیت می یابد، یا بر اثر دشواری زندگی قشرهایی از مردم، فریضه ی زکات و انفاق، همه را مخاطب می سازد، یا به اقتضای تلاش دشمن در عرصه ی فرهنگ و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی می شود، در همه ی این شرائط، نماز، نه فقط از شأن «خیر العملی» فرو نمی افتد، بلکه به مثابه ی پشتوانه ی روحی و معنوی همه ی مجاهدتها و ایثارها و خطرپذیریها، بر اهمیت آن افزوده می شود. [۴۹]

نماز است که مایه های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبد را که پشتوانه ی حتمی واجبات پر خطر و دشوار همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می آورد و او را شجاعانه بدان میدانها گسیل می دارد. [۵۰]

بهترین شیوه برخورد با منکرات چیست؟

بستگی به این دارد که چه کسی بخواهد برخورد کند. اگر شما بخواهید برخورد کنید، «زبان» است. شما به غیر از زبان، هیچ تکلیف دیگری ندارید. نهی از منکر برای مردم، فقط زبانی است. البته برای حکومت، این طور نیست. اگر منکر بزرگی باشد، برخورد حکومت احیاناً ممکن است برخورد قانونی و خشن هم باشد؛ لیکن نهی از منکر و امر به معروفی که در شرع مقدس اسلام هست، زبان است؛ «انما هی اللسان»

تعجب نکنید. من به شما عرض می‌کنم که تأثیر امر و نهی زبانی - اگر انجام گیرد - از تأثیر مشت پولادین حکومتها بیشتر است. من چند سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی از منکر. البته عده‌ای این کار را می‌کنند؛ اما همه نمی‌کنند. همه تجربه نمی‌کنند، می‌گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگویید، نفر سوم بگویید، نفر دهم بگویید، نفر پنجاهم بگویید؛ کی می‌تواند منکر را ادامه دهد؟ البته به شما بگویم عزیزان من! منکر را باید بشناسید. چیزهایی، ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید؛ در حالی که منکر نباشد. باید معروف و منکر را بشناسید. واقعاً باید بدانید این منکر است. بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر، همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومتهای قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آنها ایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید، «زبان» است. [۵۱]

وظیفه جوانان حزب‌اللهی و مؤمن در مقابل کجرویها و سوءنیت‌هایی که در بعضی جاها مشاهده می‌شود، چیست؟ اگر منکر است، وظیفه نهی از منکر است. [۵۲]

لطفاً بفرمایید آیا در زمینه فرهنگی، اقدام انقلابی را صلاح می‌دانید؟ به عبارت دیگر، در زمینه فسق و فجور، آیا برخورد فیزیکی را در مواردی که مسؤولان کوتاه آمده و به وظیفه خود عمل نمی‌کنند، صلاح می‌دانید؟ نه. شما شرعاً به هیچ وجه موظف به برخورد فیزیکی با منکر نیستید؛ شما فقط موظف به گفتن هستید. شما چه کار دارید؛ حرف خود را بگویید. شما نمی‌گویید، خیال می‌کنید که اگر بگویید، نمی‌شود. امتحان کنید، بگویید؛ بارها هم بگویید. البته یک نفر بگوید، معلوم است که اثر نمی‌کند. دیگران را وادار کنید بگویند. خود گفتن، اثرش به مراتب از مشت بیشتر است؛ حتی گاهی از اخم هم اثرش بیشتر است؛ با این که اخم اثر سازنده دارد و مثل مشت نیست. به هر حال، در نهی از منکر، اگر برخورد فیزیکی لازم باشد، کار حکومت است، نه کار مردم؛ مگر وقتی که حکومت اجازه دهد و کسی را مأمور کند. آن بحث دیگری است که ما امروز چنین وضعی نداریم. ما واقعاً کسی را مأمور نمی‌کنیم و مصلحت نمی‌دانیم که این طور چیزها وجود داشته باشد. [۵۳]

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر حدیثی دیدم که از جمله چیزهایی که برای امر به معروف و ناهی از منکر ذکر می‌کند، «رفیق فیما یأمر و رفیق فیما ینهی» [۵۴] بود. آن جایی که جای رفیق است - که غالب جاها هم از این قبیل است - انسان باید با «رفیق» عمل کند؛ برای این که بتواند با محبت آن حقایق را در دلها و در ذهنها جا بدهد و جایگزین کند. تبلیغ برای این است؛ برای زنده کردن احکام الهی و اسلامی است. [۵۵]

چهره دوم در مورد پایبندی به اسلام، عمل فردی اشخاص است. در این جا دیگر آن صلابت و قاطعیت و اعمال قدرت، وجود ندارد. این جا موعظه، نصیحت، زبان خوش و امر به معروف است. امام، به این عقیده داشت. پس اول چیزی که در خط امام، مهم است، تعقیب هدف اسلامی و حاکمیت اسلامی در صحنه ایمان و در صحنه عمل است.

یک نکته را هم می‌خواهم یادآوری کنم و آن نظام امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است؛ فقط من و شما به عنوان مسؤولان کشور وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین تر است. باید از شیوه‌ها و وسایل مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند. با چهار تا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می‌افتد، نه ارزش تأثیر گذاریش ساقط می‌شود. قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است.

اینهاست که نظام را همیشه جوان نگه می‌دارد. حال که نظام ما بیست و یکساله و جوان است و در مقایسه با نظام فرتوت هفتاد و چند ساله پیر کمونیستی در شوروی به طور طبیعی هم جوان است؛ اما اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی، همیشه تر و تازه و با طراوت و شاداب می‌ماند. طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه این که از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ این کار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی‌شود گفت که خواهش می‌کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می‌کنی؟ طرف، هر کسی هست - بنده که طلبه حقیری هستم - از بنده مهمتر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. [۵۶]

هر چند فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگترین واجبات اسلامی است و توصیه به آن در قرآن و گفتارهای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیر مؤمنان و دیگر امامان: دارای لحنی کم نظیر و تکان دهنده است، ولی اگر کسی از این همه چشم پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بیشک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی برحذر داشتن را کدام خرد سالم، ستایش نمی‌کند؟ و کدام انسان خیرخواه و حسّاس، از آن روی میگرداند؟ هنگامی که به این وظیفه عمل شود، به تعداد آمران و ناهیان، دعوت به خیر در میان مردم صورت می‌گیرد، و بیگمان لبیک گویان به این دعوت نیز کم نخواهند بود. این فراخوانی، بیگمان زیاد بر خود داعیان نیز نشانه‌ی نیک برجای می‌گذارد و از دو سو، راه صلاح را هموار می‌سازد. کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر می‌کنیم و رفتار زشتی که وی را از آن برحذر می‌داریم، هر چه بزرگتر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرفتر و ماندگارتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است و چنین است که عمل به این وظیفه، تضمین کننده‌ی دوام و استحکام حکومت صالحان است، و رها کردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه ساز سلطه‌ی اشرار و نابکاران. شما دوستان ارجمند که اکنون همت به ترویج این فریضه گماشته‌اید، کار بزرگ خود را چنانکه شایسته‌ی این فریضه است، پاس بدارید و با همه‌جانبه‌نگری در این کار، زبان بدگویان و ذهن بی‌خبران را از فرو افتادن در ورطه‌ی ناسپاسی از این عمل اصلاحی بزرگ، نجات بخشید.

از خداوند متعال توفیق روزافزون شما را مسئلت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

۷۹/۸/۲۳

بخش دیگری که باز آن را مختصر عرض می‌کنم - که مربوط به عموم مردم است - در درجه اول عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر در مسائل اجتماعی؛ البته در مسائل فردی، تقوا بسیار زیاد مورد توصیه امیرالمؤمنین است؛ اما در زمینه مسائل اجتماعی شاید هیچ خطابی به مردم شدیدتر، غلیظتر، زنده‌تر و پرهیجان‌تر از خطاب امر به معروف و نهی از منکر نیست. امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه عمومی است. البته ما باید تأسّف بخوریم از این که معنای امر به معروف و نهی از منکر، درست تشریح نمی‌شود. امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. امر و نهی، فقط زبان و گفتن است. البته یک مرحله قبل از زبان هم دارد که مرحله قلب است و اگر آن

مرحله باشد، امر به معروف زبانی، کامل خواهد شد. وقتی که شما برای کمک به نظام اسلامی مردم را به نیکی امر می کنید - مثلاً احسان به فقرا، صدقه، راز داری، محبت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر - و می گوئید این کارها را بکن؛ هنگامی که دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امر صادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می کنید - مثلاً ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نمّامی کردن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن - و می گوئید این کارها را نکن؛ وقتی که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است و خود شما هم طبق همین امر و نهی تان عمل می کنید. اگر خدای نکرده دل با زبان همراه نباشد، آن گاه انسان مشمول این جمله می شود که «لعن الله الامرين بالمعروف التاركين له».[۵۷] کسی که مردم را به نیکی امر می کند، اما خود او به آن عمل نمی کند؛ مردم را از بدی نهی می کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می شود؛ چنین شخصی مشمول لعنت خدا می شود و سرنوشت بسیار خطرناکی خواهد داشت.

اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر در نمی آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه؛ این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود. بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگها عوض شود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود. بدترین توطئه ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب - کارهایی که دین به آنها امر کرده است و رشد و صلاح کشور در آنهاست - در نظر مردم به کارهای بد، و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود. این خطر بسیار بزرگی است.

بنابراین اولین فایده امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند. از طرف دیگر، وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی نخواهد توانست، یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه فراوان این کار را انجام دهد. یکی از موجبات نا کامی تلاشهای امیرمؤمنان - با آن قدرت و عظمت - در ادامه این راه، که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود. روایتی که می خوانم، روایت تکان دهنده و عجیبی است. می فرماید: «لتأمرنّ بالمعروف و لتنهون عن المنکر او لیسلمنّ الله علیکم شرار کم فیدعو خیار کم فلا یتجاب لهم» [۵۸]؛ باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته ها را بر شما مسلط می کند؛ یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حجّاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه ای که امیرالمؤمنین در رأس آن قرار داشت و در آن جا امر و نهی می کرد و در مسجدش خطبه می خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به جایی رسید که حجّاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حجّاج چه کسی بود؟ حجّاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! به همان راحتی که یک حیوان و یک حشره را بکشند، حجّاج یک انسان را می کشت. یک بار حجّاج دستور داد و گفت همه مردم کوفه باید بیایند و شهادت بدهند که کافرند و از کفر خودشان توبه کنند؛ هر کس بگوید

نه، گردنش زده می‌شود! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این‌گونه دچار ظلمهای عجیب و غریب و استثنایی و غیر قابل توصیف و تشریح شدند. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلافتکاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و بتدریج جزو فرهنگ جامعه شود، زمینه برای روی کار آمدن آدمهای ناباب فراهم خواهد شد.

البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگونی دارد که باز مهمترینش حوزه مسؤولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسؤولان، کار خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آنها بخواهند. این مهمترین حوزه است. البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد.

در مسأله امر به معروف و نهی از منکر، فقط نهی از منکر نیست؛ امر به معروف و کارهای نیک هم هست. برای جوان، درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات پسندیده در زندگی، همه جزو اعمال خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد. هر کسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر بکنید - به او بگویید و از او بخواهید - امر به معروف است. نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست. تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند. فقط این نیست؛ این جزء دهم است.

نهی از منکر در همه زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلاً کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سوء استفاده از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکتها و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره؛ همین رعایت رفاقتها از سوی مسؤولان. یک وقت دو نفر تاجر و کاسبند و با هم همکاری و رفاقت می‌کنند، آن یک حکم دارد؛ یک وقت است که آن کسی که مسؤول دولتی است و قدرت و اجازه و امضاء در دست اوست، با یک نفر رابطه ویژه برقرار می‌کند؛ این آن چیزی است که ممنوع و گناه و حرام است و نهی از آن بر همه کسانی که این چیزها را فهمیده‌اند - در خود آن اداره، در خود آن بخش، بر مافوق او، بر زیر دست او - واجب است؛ تا فضا برای کسی که اهل سوء استفاده است، تنگ شود.

در محیط خانواده هم می‌شود نهی از منکر کرد. در بعضی از خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها حقوق جوانان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها، بخصوص حقوق کودکان رعایت نمی‌شود. اینها را باید به آنها تذکر داد و از آنها خواست. حقوق کودکان را تضییع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آنها محبت نکند؛ نه. سوء تربیتها، بی‌اهتمامیها، نرسیدن آنها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آنهاست.

منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و می‌شود از آنها نهی کرد و باید نهی کرد، از جمله اینهاست: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان. ما این همه ضایعات نان داریم؛ اصلاً این یک منکر است؛ یک منکر دینی است؛ یک منکر اقتصادی و اجتماعی است؛ نهی از این منکر هم لازم است؛ هر کسی به هر طریقی که می‌تواند؛ یک مسؤول یک طور می‌تواند، یک مشتری ناوایی یک طور می‌تواند، یک کارگر ناوایی طور دیگر می‌تواند. طبق بعضی از آمارهایی که به ما دادند، مقدار ضایعات نان ما برابر است با مقدار گندمی که از خارج وارد کشور می‌کنیم! آیا این جای تأسف نیست؟! همه اینها منکرات است و نهی از آنها لازم است. طبق نهج البلاغه، امیرالمؤمنین نهی از اینها را یکی از محورهای اصلی توصیه‌های خود قرار داده است. در باب مسؤولان، آن طور مشی کردن و عمل کردن و دستور دادن و قاعده معین کردن؛ در باب عموم مردم هم آنها را وادار کردن به حضور، به فعالیت و به احساس مسؤولیت در مسائل اجتماعی، با همین امر به معروف و نهی از منکر.

وظیفه بزرگی بر دوش ما قرار دارد. امیرالمؤمنین جان مبارک خود را بر سر این کار گذاشت؛ همچنان که تمام عمر خود را از وقتی که می‌توانست تلاشی بکند - از همان وقتی که اسلام آورد، از اوان کودکی تا آخر عمر؛ چه دوران مکه، چه دوران مدینه، چه دوران بعد، چه در دوران خلافت - در همین راه مصرف کرد و یک آن از مجاهدت و تلاش در راه خدا باز نایستاد. برای انسان والایی که می‌خواهد بر فراز همه پدیده‌های عالم وجود پرواز کند و هیچ چیزی پابند او نباشد و او را اسیر نکند، اسوه حقیقی، امیرالمؤمنین است. [۵۹]

یک جریان فساد هم فسادهای اخلاقی و رواج منکرات است. با این هم باید مقابله و مبارزه کرد. ما خوب می‌دانیم، این جزو تعالیم اسلام است که با زبان و تبیین باید مردم را با فضایل اخلاقی آشنا کرد و از منکرات دور نگه‌داشت. این به جای خود درست؛ اما با شیوع منکرات و با تظاهر به آن باید مقابله کرد. اسلام مرتکب منکر را نصیحت و هدایت می‌کند؛ اما حد هم برای او می‌گذارد. با صرف زبان و توصیه نمی‌شود کاری کرد. قدرت نظام باید جلو سیر فحشا و فساد را بگیرد. اجازه ندهید که هوسهای یک عده معدود و یک گروه کوچک و اندک در داخل جامعه، موجب اغوای ذهن و فکر دختر و پسر جوان و مرد و زن مؤمنی شود که هیچ انگیزه فسادى ندارند. شما باید جلو آن گونه افراد را بگیرید [۶۰]

تخلّف از قانون و خروج از مدار قانونی برای مقابله با هر چیزی که به نظر انسان منکر می‌آید - بدون اجازه حکومت - خودش یک جرم است؛ مگر نهی از منکر زبانی، که بارها گفتیم نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی‌شود؛ اما آن جایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند. هیچ چیزی مجوّز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوه قضائیه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه‌ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آنها خواهد گفت. [۶۱]

بزرگترین نعمت خدا وجود این نظام است و بزرگترین معروف، دفاع از این نظام است. [۶۲]

امربه معروف و نهی از منکر هم جزو مهمترین مسائلی است که جوانان باید به آن اهتمام کنند. همچنین در برابر فریب رسانه‌ها در واژگونه جلوه دادن حقایق، تسلیم نشوند. امروز مهمترین تلاش دشمن این است که از پیشرفته‌ترین ابزار و روشهای ارتباطاتی مدرن و فوق مدرن استفاده کند؛ برای این که حقایق کشور ما را واژگونه جلوه دهد. تسلیم خواسته آنها نشوید و اندیشمندان با مسائل برخورد کنید. [۶۳]

*چند وقتی است که مشکل بدحجابی و ارائه فرهنگهای غلط در دانشگاهها دغدغه بسیج این دانشگاهها شده است. اگر

قاطعیت را ملازمه کارمان کنیم، مطرود خواهیم شد. پیشنهاد حضرت تعالی چیست؟

- قاطعیت یعنی چه؟ یعنی برخورد فیزیکی و جسمانی؟ این که درست نیست و ما اصلاً این را توصیه نمی‌کنیم؛ اما گفتن و تذکر دادن، خوب است. چه اشکال دارد با اخلاق خوب تذکر دهند؟ دیروز حدیثی را برای جمعی می‌خواندم که آمر به معروف و ناهی از منکر باید خودش به آنچه دارد امر و نهی می‌کند، هم عالم باشد و هم عامل. «رفیق لمن یأمر و رفیق لمن ینهی»؛ با رفیق و مدارا امر و نهی کند. امر و نهی، یعنی دستور دادن - بکن، نکن - غیر از تمنا کردن است؛ اما همین را با رفیق، مدارا و محبت - نه با خشونت - انجام دهد. به نظرم این طوری باید عمل شود. [۶۴]

*با توجه به این که یکی از جنبه‌های تهاجم دشمن، تهاجم فرهنگی و فاسد کردن جوانان و بخصوص زنان و توجه دادن مردم به شهوات و نفسانیات است و در بسیاری از جوامع اسلامی، دشمنان ابتدا از این طریق مردم را خلع سلاح کرده‌اند، و نیز با توجه به بحران کنونی حجاب در جامعه و حتی در دانشگاهها، وظیفه مردم، بخصوص دانشجویان و تشکلهای اسلامی در جامعه و در دانشگاهها چیست و راه حل، حکم و توصیه شما در این مورد به تشکلهای اسلامی چیست؟

-توصیه بنده معلوم است: حجاب را رعایت کنید و این لازم و واجب است. به برادر یا خواهری که این نامه را نوشته‌اند، می‌خواهم بگویم این طور هم نیست که شما می‌گویید زنهای ما بی حجاب شده‌اند. ممکن است بعضی بگویند چشم شما به خواهرانی افتاده که همه حجاب دارند؛ نه، من گاهی به خیابان می‌روم تا مخصوصاً وضع مردان و زنان را ببینم؛ البته با نگاه حلال و نه حرام. آن طور که بعضی تصویر می‌کنند، به نظر من نمی‌آید. البته چرا، اشکالاتی وجود دارد؛ من هم از همه گوشه و کنارها با خبر نیستم. هر جا چنین وضعی وجود داشته باشد، راه آن نهی از منکر است. [۶۵]

در جامعه اسلامی تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است.

امروز امر به معروف و نهی از منکر هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت انقلابی و سیاسی شماس است.

نقش امر به معروف و نهی از منکر در ایران اسلامی روز به روز حیاتی تر می‌شود.

پایه دین و اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر محکم و استوار می‌کند.

مهمترین وظیفه ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد این است که باید نیرو هیا مؤمن و حزب الله و آمر به معروف و ناهی از منکر و آنهایی که انگیزه دارند، در نظام اسلامی در صحنه باشند و همه جا حضور داشته باشند.

آحاد مردم باید با شجاعت و قوت نفس از عملی شدن خلافهای سیاسی، اقتصادی، اداری و فرهنگی در جامعه ممانعت کنند. چیزی که جامعه را اصلاح میکند همین نهی از منکر زبانی است. اگر افکار عمومی روی وجود و ذهن آدم بدکار سنگینی کند، این برای او شکننده ترین چیز هاست.

جامعه اسلامی باید با امر به معروف و نهی از منکر مانع بروز هر گونه فساد بشود.

مسئله امر به معروف و نهی از منکر تکلیف همیشگی مسلمانهاست.

همه مردم باید وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برای خود قائل باشند و با لحن مناسب خلاف و گناه را به خاطر تذکر دهند.

هنگامی ممکن است همه آحاد یک ملت آمر به معروف و ناهی از منکر باشند که همه در متن مسائل کشور به معنای واقعی حضور داشته باشند.

قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر زنده باشد.

امر به نیکی و صلاح و نهی از بدیها، مفاسد و تخلفات از نظر قرآن کریم و اسلام، تضمین کننده خط صحیح و راه راست است.

امر به معروف و نهی از منکر در مقیاس وسیع و عمومی حتی از جهاد بالاتر است.

امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اسلامی اسلام و ضامن بر پا داشتن همه فرایض اسلامی است، باید در جامعه ما احیاء شود.

روحانیون در محیط های مختلف یکی از مهمترین عوامل نهی از منکر و امر به معروف هستند. نمی شود این واجب الهی را در دایره های کوچک محدود کرد. این کار، کار همه است.

علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند، کیفیت نهی از منکر را برای مردم بیان کنند و منکر را برای آنها شرح بدهند.

امر به معروف و نهی از منکر فقط این نیست که ما برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم، آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست مهمترین منکرات باشند.

مأمورین رسمی چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضایی حق ندارند از مجرم دفاع بکنند . مأمورین باید از آمر و ناهی شرعی دفاع بکنند . دستگاه حکومت ما باید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع بکنند.

هر کس به اندازه وسعت وجودی و شعاع قدرت خود مسئول است و نباید در مقابل تخلفات ، بدعت گذاریها از میان رفتن سنت ها و زمینه سازی هایی که برای تهاجم دشمن صورت می گیرد ، بی تفاوت باقی بماند.

در مسائل جهانی ، ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند.

تکلیف الهی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه شرعی عموم مسلمین است و در همه جا باید انجام شود.

امر به معروف هم مثل نماز واجب است.

جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می ماند.

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط ، فساد و فحشا سعی می کند جوانهای ما را از دست ما بگیرد.

امر به معروف و نهی از منکر برای طراوت داشتن و حرکت دائمی دین یک امر ضروری و لازم است .

امر به معروف متعلق به همه مردم است .

اگر چنانچه کار دست حزب الهی ها نبود ما این مرزهایی را که امروز داریم نداشتیم .

قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است .

همه باید حزب الهی ها را باور کنند ، آنها مرزهای میهن اسلامی را حفظ کردند.

نیرو های حزب الهی و انقلابی همه موانع را از سر راه بر میدارند .

استفاده از حزب الهی و جبهه رفته افتخارات روز افزون را در پی خواهد داشت.

همه باید امر به معروف و نهی از منکر بکنند.

۱- ۶۸/۴/۲۳، پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره).

۲- سوره حج، آیه ۴۱.

۳- ۶۸/۱۰/۱۹، سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرا رسیدن ۱۹ دی ماه (سالروز قیام مردم قم).

۴- ۶۸/۴/۲۳، پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره).

۵- ۶۸/۱۲/۲۳، پاسخ به نامه‌ی حجه‌الاسلام والمسلمین عباس واعظ طبسی، در مورد موقوفات و متعلقات آستان قدس رضوی

۶- ۶۹/۳/۱۰، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۷- ۶۹/۳/۱۰، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۸- ۶۹/۱۰/۱۰، بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی

۹- سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار).

۱۰- سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان.

۱۱- ۷۰/۷/۱۵، پیام به اولین اجلاس سالیانه‌ی اقامه‌ی نماز در مشهد مقدس.

۱۲- نهج‌البلاغه: کلمات قصار، ص ۳۷۴.

۱۳- ۷۱/۴/۲۲، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای

مقاومت بسیج سراسر کشور.

۱۴- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۲.

۱۵- ۷۱/۵/۷، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیان.

۱۶- ۷۱/۶/۴، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور.

۱۷- ۷۱/۷/۲۹، بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم با معظم‌له.

۱۸- ۷۱/۱۱/۱، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث.

۱۹- ۷۱/۲۷/۱۲، پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی.

۲۰- ۷۱/۶/۴، دقت شود عنوان سخنرانی استخراج شود.

۲۱- ۷۲/۶/۱۴، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و قشرهای مختلف مردم در روز «ولادت پیامبر اکرم ۶ و امام

صادق ۷»

۲۲- ۷۲/۱۲/۱۳، بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۱ رمضان ۱۴۱۴.

۲۳- ۷۴/۳/۱۹، بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه (عاشورای ۱۴۱۶)

۲۴- ۷۴/۶/۱۴، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در آغاز درس خارج فقه.

۲۵- ۷۴/۱۲/۱، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید فطر.

۲۶- ۷۴/۱۲/۱، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز عید فطر.

۲۷- سوره حج، آیه ۴۱.

۲۸- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و اعضای «نیروی انتظامی» به مناسبت «هفته نیروی انتظامی.»

- ۲۹- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوادر جمع فرماندهان، مسئولان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار.
- ۳۰- سوره نحل، آیه ۱۲۵.
- ۳۱- سوره بنی اسرائیل، آیه ۳۹
- ۳۲- ؟
- ۳۳- سوره نحل، آیه ۱۲۵.
- ۳۴- سوره نحل، آیه ۱۲۵.
- ۳۵- سوره حجر، آیه ۹.
- ۳۶- سوره حج، آیه ۴۰.
- ۳۷- سوره عنکبوت، آیه ۶۹.
- ۳۸- سوره ممتحنه، آیه ۸.
- ۳۹- سوره ممتحنه، آیه ۹.
- ۴۰- سوره طلاق، آیه ۲ و ۳.
- ۴۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم»
- ۴۲- سوره بقره، آیه ۲۷۹.
- ۴۳- ۷۵/۳/۱۶، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)
- ۴۴- ۷۵/۸/۹، بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی.
- ۴۵- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
- ۴۶- ۷۵/۹/۲۴، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار.
- ۴۷- ۷۵/۹/۲۴، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار.
- ۴۸- ۷۵/۹/۲۴، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار.
- ۴۹- ۷۶/۷/۷، پیام به اجلاس نماز.
- ۵۰- ۷۶/۷/۷، پیام به اجلاس نماز.
- ۵۱- ۷۷/۲/۲۲، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران.
- ۵۲- ۷۷/۲/۲۲، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران.
- ۵۳- ۷۷/۲/۲۲، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران.
- ۵۴- خصال، ص ۱۰۹، (امام صادق علیه السلام).
- ۵۵- ۷۸/۱/۲۳، متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم الحرام .
- ۵۶- ۷۹/۴/۱۹، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۵۷- تفسیر الصادقین، ج ۱، ص ۳۳۹.
- ۵۸- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۶.

- ۵۹- ۷۹/۹/۲۵، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران.
- ۶۰- ۸۰/۵/۱۱، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی.
- ۶۱- ۸۰/۵/۱۱، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی.
- ۶۲- ۸۰/۶/۱۵، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان
- ۶۳- ۸۰/۸/۱۲، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان.
- ۶۴- ۸۲/۲/۲۲، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶۵- ۸۲/۲/۲۲، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی.